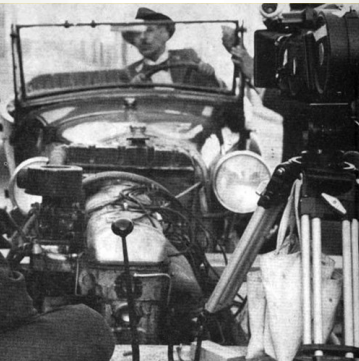


گفت و گوی
روزنامه صبا با
رضا درستکار؛
نویسنده و منتقد
سینما

جشن

صد سالگی سینما

یک خوش ذوقی بی اساس بود



برخی منشاء تاریخ سینمای ایران را با مظفرالدین شاه خلط می‌کنند. شما درباره این موضوع چه نظری دارید و بر اساس مستندات رسمی، آغاز سینمای ایران را چه فیلمی می‌دانید و چرا؟

این که منشاء تاریخ سینما را با مظفرالدین شاه خلط می‌کنیم، یک غلط مصطلح است. شوربختانه در ایران، ما همواره در پی مشروعیت بخشیدن به نظام فرهنگی هستیم، چون اساساً هیچ سیستم، دولت یا گروه و جناحی آن طور که باید و شاید به فرهنگ اهمیت نمی‌دهند. فرهنگ همچنان همان مثال چرخ پنجم گاری به حساب می‌آید؛ یعنی عملاً یک عنصر بی‌ربط یا اضافه! همین نگاه باعث شده که وقتی دوستان می‌خواستند جشن‌های صد ساله سینمای ایران را راه بیندازند، خوش ذوقی به خرج بدهند! اما از منظر استناد تاریخی، این منشاء تاریخی اشکال ماهوی دارد. وقتی می‌گوئیم سینما، منظور ما اکران اولین فیلم در سالن سینما است. اولین فیلم ایرانی که ساخته و در سالن سینما اکران شد، فیلم «آبی و رابی» ساخته «اوانس اوهانیانس» بود؛ که ساختش در سال ۱۳۰۸ شروع شد و در سال ۱۳۰۹ به پایان رسید و اکران شد. این اولین فیلم آغاز تاریخ سینمای ایران است؛ نه فیلم‌های مستندی که مظفرالدین شاه یا میرزا ابراهیم خان عکاس باشی در دربار گرفته‌اند. آنها هرگز نمی‌توانند سرآغاز سینمای ایران قلمداد شوند. بنابراین، بر اساس اسناد و اقوال رسمی، سینمای ایران با اکران فیلم «آبی و رابی» در سالن سینما متولد شده است. که امروز حتی نسخه‌ای از آن فیلم هم باقی نیست.

یعنی ما نمی‌توانیم ورود سینما را به عنوان یک صنعت در ایران، به‌عنوان تولد تاریخی سینما در نظر بگیریم؟

خیر، چون سینمای ایران آلبوم خانوادگی شخصی مظفرالدین شاه نیست. مظفرالدین شاه‌ای که برای خودش یک دوربین از فرنگ آورده و بعد چندین حلقه فیلم گرفته و در نهایت یک پروژکتور شخصی برای خودش در دربار گذاشته تا عکس‌های خودش را تماشا کند، نمی‌تواند مبدا و تاریخ تلقی شود. سینما،

به مناسبت روز ملی

سینمای ایران — سینمایی

که در فراز و نشیب‌های

پرسنگلاخ تاریخ، با وجود همه سختی‌ها، سانسورها و محدودیت‌ها، همواره راهی برای ادامه حیات خود یافته و هر بار از دل بحران دوباره قد برافراشته — سراغ رضا درستکار رفتیم؛ نویسنده، منتقد و مستندسازی که بیش از سه دهه است با قلم و تصویر، رد پای سینما را در حافظه فرهنگی این سرزمین ثبت کرده است. او نامش را با نقدهایی صریح، و کتاب‌هایی درباره فیلمسازی چون «فریدون گله»، «پهنان فرمان آرا» و «مجید مجیدی» گره زده است. در این گفت‌وگو هم به دغدغه تاریخ سینمای ایران و گذر از دوران متفاوت تا به امروز پرداخته‌ایم، مسیری پر از توقف و از سرگیری، و تکرار پرسشی مداوم، این که چرا ما همواره در میانه راه گرفتار بازگشت به عقب می‌شویم؟! در خلال بحث، از ریشه اصطلاح و فیلمفاری، نسبت سرگرمی و ارتقای سلیقه عمومی، نقش محدودیت‌ها در شکل‌گیری جریان‌های سینمایی و خطر تکرار خطاهای تاریخی نیز سخن گفته‌ایم.

سمیه خاتونی

گفت و گو

